امتیاز

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

دوشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۸
۲۱ رجب ۱۴۴۱ ● ۱۶ مارچ ۲۰۲۰
شماره ۲۹۳۰ ● ۸ صفحه

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول: غلامحسین شعبانی
دبیر تحریریه: هومن جعفری
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

پنج روایت از تحولات «سینمای ۹۸»

بحران «مخاطب» جدی‌تر می‌شود؟

زهرا منصوری

از ویروس کرونا می‌توان به عنوان بزرگ‌ترین بحرانی که در حال حاضر جهان را به خود گرفتار کرده است، یاد کرد؛ بحرانی که خیلی زود گریبانگیر ایران شد و تبعات آن به اصناف و مشاغل مختلف کشور رسید.

سینماها هم به عنوان محفلی برای تجمع افراد از اولین مراکزی بود که برای پیشگیری از شیوع کرونا تعطیل شدند. هرچند این اقدام در کلیت یک حرکت عقلانی و قابل دفاع بود اما آنچه سینماگران را نگران کرده، تبعات ثانویه این تعطیلات است.

اقتصاد شکننده سینما در این سال‌ها همواره موضوع بحث اهالی سینما بوده و پیشنهاداتی برایش مطرح شده تا این هنر-صنعت در کشور ما بیش از آنچه که در قامت هنر ظاهر شود، در مقوله صنعت هم حرفی برای گفتن داشته باشد و مانند دیگر کشورها به یکی از صنایع ارزآور هم تبدیل شود. اما این، فقط یک «رویا» در طی این سال‌ها بوده و هنر تصویری به اذعان بسیاری از کارشناسان بیشتر به «پول‌های نفتی» متصل بوده که اتفاقاً در بزنگاه‌ها نتوانسته گلیم خود را از آب بیرون بکشد.

این حرف امروز و دیروز سینماگران نیست بلکه سابقه‌ای طولانی دارد. حالا هم با شیوع کرونا چرخ‌های سینما به لرزه درآمده و آن را آسیب پذیرتر کرده است تا آنجا که برخی از سینماداران از آن به عنوان زنگ خطری یاد می‌کنند که دیر و دور نیست منجر به تعطیلی برخی سینماها شود.

شیوع بیمار کرونا درست با زمانی تقارن پیدا کرد که به آن طلایی‌ترین زمان اکران و سینما اطلاق می‌شود. پیش از این توصیف‌های زیادی درباره اکران نوروزی شده و به نظر می‌رسد نیاز چندانی به تشریح ندارد. هر سینمادوستی این روزها می‌داند اساسا اصلی‌ترین بخش اقتصاد سینما به این فصل از سال گره خورده است که می‌تواند ضررهای ناشی از فصل‌های کم رمق مانند ماه مبارک رمضان، محرم و صفر را جبران کند اما حالا با وضعیت پیش آمده عملا این فرصت طلایی از دست رفته که به نظر می‌رسد برای جبران مافات باید یارانه‌ای در نظر گرفته شود تا سینما بتواند خود را از این سراشیبی که در آن گیر کرده است، نجات دهد.

این اما تنها یک بخش کوچک از تحولات سینمای ایران در نیمه دوم سال پرفرازونشیب ۹۸ بود؛ در این گزارش سعی داریم طبق سنت هر ساله به مرور ۵ رویداد مهم که در سال گذشته بر سینما حادث شد، بپردازیم.

روایت اول؛ چالش بی‌پایان «رده‌بندی سنی»

حسین انتظامی چه در زمانی که به عنوان سرپرست در سازمان سینمایی مشغول به کار بود و چه حالا که سکان هدایت آن را بر عهده دارد، واقعیتی عینی به «شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات» بخشیده که اساسا با شعارش وارد این عرصه شد. این را می‌توان از انتشار ریز هزینه‌های موسسات تابع سازمان سینمایی متوجه شد اما اعمال درجه‌بندی سنی روی آثار سینمایی را می‌توان از کلیدی ترین اقدامات حسین انتظامی دانست که البته حاصلی نداشت.

اعمال درجه‌بندی سنی فیلم‌های سینمایی از آنجایی ناشی شد که مجموعه سازمان سینمایی معتقد بود با توجه به سطح گسترده تماس و استفاده مردم از محصولات سینمایی، ضرورت دارد با ملاحظه موازین تربیتی و اخلاقی و نیز باورهای اجتماعی به منظور پیشگیری از هرگونه آسیب به کودکان و نوجوانان، نظام رده‌بندی سنی برای انتخاب و تماشای آثار تصویری در سینماها و نمایش خانگی تبیین و ابلاغ شود.

حسین انتظامی در اولین نشست رسانه‌ای خود ابلاغ این دستورالعمل را یک کار فرهنگی به منظور بالا بردن سواد رسانه‌ای افراد خواند نه یک قوه بازدارنده. او عنوان کرد: «این نظام می‌خواهد کمک کند سواد رسانه‌ای بالا برود و مردم با توجه بیشتری، فیلم‌ها را انتخاب کنند. طبعاً این نظام محدودیت‌هایی هم خواهد داشت و آثاری که به نحوی گروه‌های آسیب‌پذیر را تهدید می‌کند، محدود می‌شوند اما رویکرد کلی این نظام فرهنگی است.»

تراکم فیلم‌های رده‌بندی‌شده در اکران پاییز امسال خبرساز شد

در این میان اما برخی کارشناسان به وجه دیگر این نظام پیشگیری کننده پرداختند و عنوان کردند با ابلاغیه جدید هر فیلم مشکل داری با زدن یک برچسب (۹+)، (۱۲+) و (۱۵+) در گوشه اقلام تبلیغاتی‌اش می‌تواند این قاعده و قانون‌ها را دور بزند و به راحتی وارد چرخه اکران شود که رییس سازمان سینمایی همان زمان اعلام کرد با توجه به اینکه ۲ مرجع مختلف این مجوزها را می‌دهند و درجه‌بندی سنی را گروهی متشکل از روانشناسان و... انجام می‌دهند، نمی‌شود گفت که هر فیلمی با این توجیه می‌تواند اکران شود.

پیش بینی سینماداران اما درست بود؛ قاعده تازه متولد شده تنها در حد یک قاعده ماند. نه سینماداران توانستند مانع از ورود افراد شوند و نه فرهنگش در میان خانواده‌ها جا افتاد. البته باید به این نکته توجه داشت که عملیاتی شدن و فرهنگسازی هر طرحی نیازمند گذر زمان و تبلیغات است تا خانواده‌ها از ابعاد مختلف آن آگاه شوند. به هر حال رده‌بندی سنی فیلم‌های سینمایی یک نیاز فرهنگی برای هشدار به خانواده‌هاست.

اما این فقط بخشی از ماجرا بود. بحث تا جایی پیش رفت که دیوان عدالت اداری در مهرماه و به فاصله تنها ۴ ماه از اجرایی شدن آن، با شکایت دادستان کل کشور حکم به توقف رده‌بندی سنی فیلم‌های سینمایی را داد. داستان از این قرار بود که دادستانی کل کشور درخواست ابطال دستورالعمل رده‌بندی سنی فیلم‌های سینمایی را به دیوان عدالت اداری داد و دیوان هم دستور توقف اجرای آن را صادر کرد که طبق قانون یکی از دلایلش این بود که «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

خیلی زود اما مشخص شد ابلاغیه‌ای که دادستان برای توقف اجرای آن ورود کرده همان ابلاغیه‌ای است که سازمان سینمایی پیش‌تر با انتشار پیش‌نویسی از یک قانون تازه آن را ملغی کرده بود. مهمترین ویژگی پیش‌نویس تازه هم شورای کارشناسان غیرسینمایی بود که عهده‌دار اعمال نظر کارشناسی در زمینه رده‌بندی فیلم‌ها شدند.

با همه این‌ها در جشنواره سی و هشتم، چهار فیلم با قید درجه سنی در گوشه بلیت‌ها به نمایش درآمد. بنابراین باید دید سرانجام کلی اجرای این طرح در سال آینده چه می‌شود.

روایت دوم؛ بیدار شدن غول قاچاق فیلم‌ها

«رحمان ۱۴۰۰» به عنوان یکی از فیلم‌های اکران نوروزی نام خود را به عنوان اولین فیلم توقیفی سال ۹۸ ثبت کرد، فیلمی که به فاصله ۲۰ روز از اکران، پخشش به دلیل رعایت نکردن برخی از اصلاحیه‌ها و اکران نسخه اصلاح‌نشده متوقف شد تا زمینه‌ای برای ارایه نسخه قاچاق این فیلم در مجاری اینترنتی فراهم شود که البته شائبه‌هایی درباره قرار گرفتن این فیلم در بستر اینترنت توسط سازندگان این فیلم وجود داشت به طوری که محمدمهدی طباطبایی نژاد معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی اشاره‌ای تلویحی به این موضوع و بیان کرد «نسخه‌ای که از این فیلم منتشر شده با کیفیت و بدون آرم است و این موضوع برای اهل فن، به اندازه کافی گویاست.»

اما «رحمان ۱۴۰۰» تنها فیلمی نبود که در سال ۹۸ قاچاق شد. «متری شیش و نیم» ساخته سعید روستایی و از فیلم‌های پرفروش سال ۹۸ در حالی که هنوز روی پرده بود به یکباره از فضاهای اینترنتی سر درآورد. نسخه منتشر شده اما یک نسخه بی کیفیت و فیلمبرداری شده از روی پرده سینماها توسط مخاطبان نبود.

در گوشه نسخه قاچاق شده عنوان «جهت بازبینی شورای پروانه نمایش» قید شده بود که نشان می‌داد عوامل سازنده برای حضور در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر این نسخه را به سازمان سینمایی ارایه داده بودند. به عبارتی فیلم از درون سازمان سینمایی به بیرون درز کرده و در اختیار مخاطبان قرار گرفته بود. جمال ساداتیان تهیه‌کننده این فیلم همان زمان ارشاد را محل قصور این امر خواند که در مقابل وزارت ارشاد از او به دلیل صحبت‌های بی‌پرده‌اش شکایت کرد که البته سرانجام این شکایت مشخص نشد.

«رستاخیز» از مهمترین فیلم‌هایی بود که عرضه غیرمجاز آن خبرساز شد

دوبله عربی «رستاخیز» ساخته احمدرضا درویش نیز در یوتیوب منتشر شد؛ فیلمی که گفتنی‌ها بسیار دارد. «رستاخیز» در سال ۹۱ ساخته شد و در سال ۹۴ اکرانی نیم روزه را تجربه کرد که از همان موقع تا امروز به محاق توقیف رفته، تلاش‌های چهار ساله سازندگان نیز تاکنون نتیجه‌ای نداشته، اصلی‌ترین دلیل توقیف این فیلم نمایش چهره حضرت عباس است. موضوعی که نه کارگردانش برای حذف یا هاله انداختن روی چهره کوتاه می‌آید و نه مراجع با اکران بدون اصلاحش کنار می‌آیند.

هرچند در زمان ارایه نسخه غیرقانونی فیلم، درویش عنوان کرد که به زودی نسخه قانونی آن در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد اما هنوز خبری از انتشار این نسخه نشده است.

«سرخپوست» ساخته نیما جاویدی و «شبی که ماه کامل شد» به کارگردانی نرگس آبیار از دیگر فیلم‌هایی بودند که پیش از ورود به شبکه نمایش خانگی، نسخه‌ای بی کیفیت و پرده‌ای از آنها منتشر شد.

نیما جاویدی همان زمان، قاچاق این فیلم را دزدی‌ای علنی خواند و محمدحسین قاسمی تهیه‌کننده «شبی که ماه کامل شد» این اقدام را به عده‌ای باج بگیر منتسب کرد که از او مبالغی کلان می‌خواستند و لینک تماشایش را در یک کانال تلگرامی قرار دادند. او در ادامه مردم را به صبوری و تماشای نسخه با کیفیت تر این فیلم فراخواند.

از «خانه پدری» ساخته کیانوش عیاری می‌توان به عنوان عجیب‌ترین مورد اکران یاد کرد فیلمی که شمار توقف و اکران مجددش از دست در رفته و فراز و نشیبی جدی را پشت سر گذاشته است. نسخه با کیفیت و بدون آرم «خانه پدری» هم سرانجام از فضای مجازی سردر آورد که در توضیح این مساله محمدمهدی طباطبایی نژاد دبیرکل ستاد صیانت و مبارزه با تکثیر و عرضه غیرمجاز آثار سینمایی عنوان کرد: «این نسخه تنها در اختیار تهیه‌کننده و نهاد فنی آن یعنی لابراتوآر بوده، ارشاد اساساً این نسخه را در اختیار نداشته و بنابراین فیلم یا از مجرای تهیه‌کننده یا لابراتوآر قاچاق شده است. همانطور هم که دیده‌اید نسخه منتشر شده، نسخه کامل و بدون هیچ نشانی از سوی وزارت ارشاد است. بنابراین نه شما می‌توانستید آن را منتشر کنید نه ما! چرا که این نسخه تنها در اختیار تهیه‌کننده و لابراتوآر بوده است. ضمن اینکه «رحمان ۱۴۰۰» هم درست همینطور قاچاق شد»

روایت سوم؛ بحران اکران، افول تماشاگران

در ابتدای این گزارش به وضعیت اکران نوروزی به عنوان طلایی ترین فرصت عرضه و فروش فیلم‌ها اشاره کردیم که چگونه با بروز بیماری کرونا از دست رفت. اما بحران اکران مساله‌ای نبود که در انتهای سال سر برآورده باشد بلکه بعد از اکران نوروزی ۹۸ گریبان سینما را فشرد. نقطه اتکای این بحران اتفاقا همین اکران نوروزی ۹۸ بود یعنی زمانی که شورای صنفی نمایش تصمیم گرفت به یکباره چند فیلم پرفروش و پرمخاطب را به طور همزمان به نمایش بگذارد به طوری که این تصمیم حتی به شکست فیلم‌هایی که انتظار می‌رفت پرفروش باشند، منجر شد.

«ژن خوک» و «غلامرضا تختی» در همان ابتدای سال در فهرست شکست خورده‌ها قرار گرفتند؛ فیلم‌هایی که برخی سینماگران و سینماداران عنوان می‌کردند اگر در بازه دیگری به نمایش در می‌آمدند، می‌توانستند چیزی بیشتر از آنچه که در نوروز فروختند، به دست آورند. این البته فقط ناشی از تصمیم شورای اکران نبود بلکه اشتباه محاسباتی صاحبان فیلم را هم باید در آن دخیل دانست. عمده دلیلش این است که صاحبان فیلم‌ها می‌پندارند همه فیلم‌ها در فرصت طلایی نوروز می‌توانند به فروشی قابل توجه برسند اما به‌نظر می‌رسد توانایی کم فیلم‌های خود در قبال فیلم‌های قدرتمندتر و ناتوانی در رقابت را فراموش می‌کنند.

چنین ساز و کاری ضمن اینکه سبب می‌شود فیلم‌ها آسیب ببینند در ادامه سال برای سینماداران در زمینه فیلم‌های «بفروش» مساله ایجاد کند چون نبود چنین فیلم‌هایی باعث می‌شود حتی نتوانند هزینه‌های جاری خود را مرتفع کنند.

بحران اکران تا جایی پیش رفت که به شکست نام‌ها در گیشه منجر شد به طوری که هرچند تا پیش از این چهره‌ای مانند شهاب حسینی متضمن گیشه فیلم‌ها بود اما «نبات» با بازی او حتی نتوانست به فروش یک میلیاردی برسد، یا فیلم پر هزینه‌ای مثل «ما همه با هم هستیم» که اکثر ستاره‌ها و کمدین‌های مشهور سینمای ایران را در ترکیب بازیگرانش داشت، حتی با برخورداری از سالن‌ها و تبلیغات زیاد باز هم نتوانست به فروش مورد نظر برسد. یا در مثالی دیگر می‌توان به فیلم «دختر شیطان» ساخته قربان محمدپور اشاره کرد که پیش از آن «سلام بمبئی» را با یک اکران موفق پشت سر گذاشته بود و سرمایه‌ای به نام «سابقه ذهنی مخاطب» را داشت اما «دختر شیطان» هرچند المان‌های مخاطب پسند مثل رقص و آواز را داشت اما نتوانست اقبال مخاطبان را به همراه داشته باشد و به گفته کارگردانش به صف فیلم‌های شکست خورده پیوست.

از این موارد در سال گذشته در سینمای ایران کم نبودند که حتی نتوانستند در مجموع ۱۰ هزار مخاطب را هم در سالن هایشان تجربه کنند. البته ضلع مشترک همه ناکامان اکران؛ نبود تبلیغات مناسب هم بود که نمی‌توان از تاثیر فوق العاده آن در فروش به راحتی صرف نظر کرد.

نمی‌شود دلایل شکست فیلم‌ها در سال گذشته را فهرست کرد و به حوادث ملتهب این سال اشاره نکرد. گرانی بنزین، اعتراضات آبان ماه و سقوط هواپیمای اوکراینی از جمله حوادثی بود که جامعه ایرانی را در شوکی بزرگ فرو برد و طبعیتاً در چنین بازه‌هایی انتظار نمی‌رود رمقی در تماشاگران برای رفتن به سینماها مانده باشد به ویژه اینکه با قطعی اینترنت در آبان ماه عملا امکان خرید بلیت‌های سینما محدود شد.

تمام این عوامل دست به دست هم داد تا سازمان سینمایی اعلام کند: «بررسی آمار فروش فیلم‌ها در یازده ماه سال ۹۸ نشان می‌دهد که میزان فروش سینما نسبت به مدت مشابه در سال ۹۷ افزایش داشته است، ولی تعداد مخاطبان، اندکی کاهش یافته است.» البته به نظر می‌رسد در این آمار افزایش قیمت بلیت‌ها به نسبت سال ۹۷ لحاظ نشده که اگر محاسبه می‌شد، ضررها آماری بیش از این را نشان می‌دادند.

روایت چهارم؛ درخشش سینمای مستند

تا همین چند سال پیش بحث اصلی مستندسازان فراهم آوردن شرایطی برای اکران عمومی فیلم هایشان بود تا کارکردی بیش از حضور در جشنواره‌های داخلی و خارجی داشته باشند و بتوانند با اصلی ترین صاحبانشان که همان مخاطبان هستند، ارتباط برقرار کنند.

اما حالا یکی دو سالی می‌شود که به لطف گروه «هنر و تجربه» این امر مسجل شده و مستندها هم رنگ پرده به خود دیده‌اند به طوری که «ترور سرچشمه» ساخته محمدحسین مهدویان، «مهین» ساخته محمدحسین حیدری، «بهارستان خانه ملت» ساخته بابک بهداد و... در سال ۹۸ توانستند اکرانی موفق را پشت سر بگذارند.

اما شاید در همان زمانی که مستندسازان خواهان تحقق اولی‌ترین و طبیعی‌ترین حق خود یعنی فراهم آمدن امکان نمایش فیلم‌هایشان، بودند کمتر کسی حتی فکرش را می‌کرد روزی برسد که مستندی به عنوان نماینده سینمای ایران به اسکار معرفی شود.

«در جستجوی فریده» مستندی که به نمایندگی سینمای ایران به اسکار ۲۰۲۰ معرفی شد

سال گذشته مستند «در جستجوی فریده» ساخته آزاده موسوی و کورش عطایی به عنوان نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۰ معرفی شد که می‌شود از آن به عنوان اقبال بلند سینمای مستند یاد کرد. این انتخاب البته به سادگی صورت نگرفت و حاشیه‌هایی هم داشت به طوری که ابهامات حول محورش نه تنها رفع نشد که سر به مهر هم باقی ماند.

نیمه شب ۲۷ مردادماه بود که به یکباره و در حالی که کسی تصور نمی‌کرد کمیته انتخاب نماینده سینمای ایران به این زودی‌ها برای این امر دست به کار شود، نماینده سینمای ایران به اسکار ۲۰۲۰ را معرفی کرد تا رکوردی بی سابقه را در «ابهام یک انتخاب» بر جا بگذارد. به ویژه اینکه فهرست اولیه این کمیته به گونه‌ای بود که هر یک رقیبی قَدَر برای دیگری محسوب می‌شد.

انتخاب «در جستجو فریده» از میان فیلم‌های «مغزهای کوچک زنگ‌زده» ساخته هومن سیدی، «بمب، یک عاشقانه» ساخته پیمان معادی، «سرو زیر آب» ساخته محمدعلی باشه‌آهنگر، «آشغال‌های دوست داشتنی» ساخته محسن امیر یوسفی، «قصر شیرین» ساخته رضا میرکریمی، «عرق سرد» ساخته سهیل بیرقی، «متری شش و نیم» ساخته سعید روستایی، «سرخپوست» ساخته نیما جاویدی و «شبی که ماه کامل شد» ساخته نرگس آبیار صورت گرفت.

براساس همین انتخاب بود که بعدها زمزمه‌هایی مبنی بر این شنیده شد که رای هیات انتخاب از میان گزینش ۲ فیلم داستانی به تساوی رسیده بوده و در نهایت در پی بالاگرفتن بحث ها، برای رسیدن به اجماع و آرامش، به یکباره رای اکثریت به سمت «در جستجوی فریده» چرخیده است؛ موضوعی که هرگز پاسخ روشنی درباره حاشیه هایش داده نشد. در اینکه «در جستجوی فریده» فیلمی ارزشمند و پرافتخار بوده تردیدی نیست اما همین حاشیه‌ها از حلاوت انتخابش کاست.

هرچند «در جستجوی فریده» بعدها به فهرست اولیه اسکار هم راه نیافت اما همین انتخاب زمینه‌ای برای جدی گرفتن سینمای مستند شد تا بیش از پیش به آن بها داده شود.

روایت پنجم؛ مدیریت توئیتری سینما

این روزها توییتر به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع خبری محسوب می‌شود که مدیران، دولتمردان در بالاترین سطح و وزیران فعالیتی جدی در آن دارند و ترجیح می‌دهند گزارش کارها و اخبار دست اولشان را ابتدا در حساب شخصی خود در توییتر منتشر کنند؛ اپلیکشینی که اتفاقا هنوز فیلتر است و همین فیلترینگ احتمالا استفاده از آن را به یک امر غیرقانونی مبدل می‌سازد. با این همه مدیران همچنان علاقه مند به استفاده از آن هستند تا تناقضی آشکار را به نمایش بگذارند.

سیدعباس صالحی وزیر ارشاد و فرهنگ اسلامی، حسین انتظامی رییس سازمان سینمایی و ابراهیم داروغه‌زاده معاون پیشین ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی و دبیر فعلی جشنواره فیلم فجر از جمله مدیران سینمایی هستند که با پشت سر گذاشتن تیم روابط عمومی، خبرهایشان را توییت می‌کنند و در طول یک سال گذشته نشان دادند که علاقه ویژه‌ای به اعمال مدیریت از طریق توئیتر دارند به طوری که ردپای اکثر خبرهای دست اول در حوزه مدیریت سینما را می‌شد در اکانت شخصی آنها پیدا کرد!

نمونه اخیر این جنس اطلاع‌رسانی هم اشاره وزیر ارشاد به اهم برنامه‌های سازمان سینمایی در روزهای کرونایی بود که در میانه روز در حساب شخصی وزیر منتشر شد تا تیم روابط عمومی بعدا از همان توییت، اسکرین شات بگیرند و برای رسانه‌ها ارسال کنند، دیگری پیش‌نویس نظام‌نامه اکران را توییت می‌کند، آن یکی هم موضع‌گیری‌هایش درباره فیلم‌های جشنواره را به توییتر موکول می‌کند تا توضیحاتش درباره قهر یکی از کارگردانان سینما از مراسم اختتامیه از همان طریق رسانه‌ای شود.

به نظر می‌رسد این روزها داشتن اکانت در توییتر یکی از شروط لازم مدیر شدن است!

یک فنجان چای داغ

یک استعفای ناگهانی در مدیریت تئاتر

کرمی:به دلیل محدودیت‌ها می‌روم

شهرام کرمی مدیرکل هنرهای نمایشی که با انتشار متن کوتاهی در صفحه اینستاگرام خود خبر از خداحافظی‌اش از این اداره کل داد، درباره این تصمیم ناگهانی و دلایل آن به خبرنگار مهر گفت: مأموریت ۲ ساله من در اداره کل هنرهای نمایشی به پایان رسیده است و این را که تنها تا پایان سال در اداره کل هنرهای نمایشی خواهم بود به معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از حدود ۴ ماه پیش اعلام کرده بودم.

وی ادامه داد: اوایل ماه اسفند نیز به صورت کتبی موضوع پایان مأموریت خود را به معاون هنری یادآوری و تأکید کردم.

مدیرکل هنرهای نمایشی درباره دلایل خود برای استعفا تصریح کرد: با توجه به مسئولیت دشواری که حوزه هنرهای نمایشی دارد و مطالبه بر حق هنرمندان، محدودیت‌هایی که اعتبارات و ساختار اداره کل هنرهای نمایشی برای فعالیت مؤثر و نقش حمایتی دارد، از سمت خود استعفا دادم.

کرمی درباره وضعیت تعهدات مالی اداره کل هنرهای نمایشی به گروه‌های تئاتری با توجه به استعفای وی، تأکید کرد: تا زمانی که مسئول جدید اداره کل هنرهای نمایشی مشخص شود، پیگیر تمام مطالبات تئاتری‌ها هستم ضمن اینکه کارهای اداری این امر انجام شده و تنها منتظر پرداخت اعتبار هستیم. به محض پرداخت اولین اعتبار از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مطالبات تئاتری‌ها پرداخت می‌شود.

وی در پایان سخنان خود اظهار کرد: احساس کردم که دیگر نیروی لازم و کافی برای خدمت‌رسانی در اداره کل هنرهای نمایشی را ندارم و باید نیروی جدیدی وارد این حوزه شود. باید از همه همکارانم، معاون هنری و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که طی این ۲ سال فعالیت به من کمک کردند قدردانی کنم و بعد از این هم هر جا که باشم به عنوان یک خدمتگذار در خدمت تئاتر و هنرمندان تئاتر خواهم بود.

شهرام کرمی در متن خداحافظی خود از اداره کل هنرهای نمایشی، در اینستاگرام خود نوشت: «ماموریت من در این مرکز به پایان رسید. افتخار من بود در این مدت خدمتگزار خانواده خود باشم. در این دو سال از هیچ تلاشی برای خدمت به تئاتر و این مسئولیت دشوار دریغ نکردم. سختی کار زیاد بود و من بابت همه کاستی‌ها پوزش می خواهم. هنرمندان و همکاران در این کار با صبوری و گذشت به من کمک کردند. امیدوارم جامعه هنرمندان تئاتر که شایسته بهترین تکریم و عزت هستند با حضور یک فرد مسئول شاهد بهترین اتفاق‌های این حوزه در آینده باشند.»

طراحان گرافیک هم مقابل کرونا ایستادند

محسن سلیمانی از راه‌اندازی کمپین «خانه خوبان» برای مقابله با بحران کرونا و برپایی نمایشگاه مجازی پوستر «دوباره ایران» خبر داد.

محسن سلیمانی مجری کمپین «خانه خوبان» که با موضوع آگاهی بخشی و مقابله با ویروس کرونا راه‌اندازی شده است، درباره این کمپین گفت: کمپین «خانه خوبان» از ابتدای سال ۹۸ و همزمان با بحران سیل با هدف کمک به مردم ایران آغاز به کار کرد. در رابطه با سیل در چهار استان لرستان، گرگان، خوزستان و فارس نیز هنرمندان طراح گرافیک دور هم جمع شدیم و آثاری با موضوع سیل طراحی شد. این آثار همچنین در نمایشگاهی به نمایش گذاشته و تمامی مبالغ حاصل از فروش آنها صرف کمک به مردم سیل زده شد.

وی تاکید کرد: پس از آن، به این فکر افتادیم کمپین «خانه خوبان» را حفظ کنیم تا در مقاطع مختلف و همزمان با بحران‌های اجتماعی به کمک مردم بیاییم. بحران حال حاضر کشور که مقابله با کرونا ویروس است نیز از این قاعده مستثنی نیست و ما نیز از همان روزهای ابتدایی شیوع ویروس، دست به کار شدیم.

سلیمانی درباره انتشار محدود فراخوان نمایشگاه «دوباره ایران» توضیح داد: نمایشگاه پوستر «دوباره ایران» در ادامه مسیر کمپین «خانه خوبان» است که این بار به بحران کرونا می‌پردازد. از آنجایی که قصد داشتیم آثاری با کیفیت را جمع‌آوری کنیم که نیاز به داوری نداشته باشند، فراخوانی محدود برای تعدادی از هنرمندان طراح ارسال کردیم و آنها نیز به دعوت ما پاسخ دادند و آثاری را برای ما فرستادند. قصد ما این است که در بحث کرونا، ایده‌پردازی‌های مرتبط با این موضوع را مطرح کنیم تا تأثیر مثبت و شگرف در جامعه ایرانی و جهانی با توجه به اینکه برخی پوسترها دوزبانه نیز هستند، ایجاد کند.

وی با اشاره به نمایش مجازی این آثار و استفاده همه جانبه از آنها، بیان کرد: برای به نمایش گذاردن این آثار که اتفاقاً از کیفیت قابل قبولی برخوردار هستند، از گالری آنلاین کمک گرفتیم. نمایشگاه مجازی «دوباره ایران» از ۲۵ اسفندماه آغاز به کار کرده است و هنرمندانی که از این بعد، اثر می‌فرستند، آثارشان به این نمایشگاه اضافه خواهد شد.

این هنرمند طراح در پایان اظهار کرد: امیدوارم برخی سازمان‌های هنری از این ایده حمایت کنند تا در آینده اکران شهری نمایشگاه «دوباره ایران» را داشته باشیم.

فرزاد ادیبی، حجت مجرد، مهردخت دارابی، وحید حقی، حید بهرامی، اسماعیل برخورداری، الهام خدابنده، فاطمه حیدری، ساره زندوکیلی، زهرا رستمی، محسن سلیمانی، نوید طالبی، حسین عبدی، سما عباسی، داریوش وارث، داریوش مختاری و نسرین وفایی نژاد هنرمندانی هستند که پوسترهای آنها در نمایشگاه «دوباره ایران» به نمایش گذاشته شده است.

کرونا به «کوچه ژاپنی‌ها» رسید

تهیه کننده فیلم سینمایی «کوچه ژاپنی ها» از توقف تولید این فیلم به دلیل شیوع ویروس کرونا خبر داد.

علی اکبر ثقفی تهیه کننده و کارگردان سینما در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به توقف تولید فیلم سینمایی «کوچه ژاپنی ها» به کارگردانی امیرحسین ثقفی گفت: قرار بود این فیلم سینمایی اواخر سال جاری جلوی دوربین برود که به دلیل شیوع بیماری کرونا این پروژه متوقف شد.

وی بیان کرد: با توجه به شرایط موجود نمی توانیم پیش بینی کنیم که این پروژه چه زمانی کلید می خورد. البته باید این مساله را نیز مورد توجه قرار داد که قراردادی که با عوامل پشت و جلوی دوربین بسته بودیم به دلیل ادامه دار بودن این شرایط، بی اعتبار می شود.

این تهیه کننده سینما تاکید کرد: قراردادهای عوامل سینمایی تاریخ دارد و آنها براساس همین زمان قراردادها با پروژه های دیگر نیز قرارداد می بندند. وی ادامه داد: البته این امکان هم وجود داشت که مانند دیگر پروژه های سینمایی در چنین شرایطی کار خود را آغاز کنیم اما امنیت و سلامت عوامل فیلم برای ما از اهمیت بیشتری برخوردار بود به همین دلیل پروژه را متوقف کردیم.

ثقفی در پایان گفت: درحال حاضر در شرایطی نیستیم که برنامه ریزی مناسبی برای ادامه فعالیت خود پیش‌بینی کنیم.

به دلیل کهولت سن؛

نوازنده پیشکسوت قره نی دار فانی را وداع گفت

عباس تهرانی هنرمند پیشکسوت ساز قره‌نی و مؤلف کتاب «آهنگ‌های فولکلور» که سال های زیادی را صرف فعالیت های متعدد پژوهشی و اجرایی موسیقی کرد، دار فانی را وداع گفت. عباس تهرانی هنرمند پیشکسوت ساز قره‌نی و مؤلف کتاب «آهنگ‌های فولکلور» که سال های زیادی را صرف فعالیت های متعدد پژوهشی و اجرایی موسیقی کرد، روز یکشنبه ۲۵ اسفند دار فانی را وداع گفت.عباس تهرانی‌تاش متولد ۱۳۰۷ در تهران، مبدع ردیف آوازی ایرانی با ساز کلارینت است که سال‌ها با ساز غربی نوای شرقی را به گوش علاقمندان موسیقی رساند. او از آخرین نوازندگان قره‌نی در موسیقی ایرانی بود که در سال‌های دور، از محضر اساتید برجستهٔ موسیقی بهره‌ها برد. این هنرمند از دوران کودکی مجذوب موسیقی شد و خیلی زود در ارکسترها و رادیو راه پیدا کرد. وی در رادیو و تلویزیون فعالیت داشت و در آموزشگاه موسیقی به تدریس شاگردان اشتغال داشت. او تحصیل جدّی موسیقی را ابتدا در محضر سروان مین‌باشیان (افسر موزیک نظام) آغاز کرد. سپس در هنرستان عالی موسیقی ثبت نام و در این حین نزد استاد حسینعلی وزیری‌تبار ردیف‌های موسیقی ایرانی را فرا گرفت.پس از تأسیس رادیو همکاری خود را با این رسانه فراگیر آغاز کرد و در برنامه‌های موسیقی رادیو ارتش نیز شرکت می‌جست. کار نوازندگی خود را در ارکستر بزرگ مهدی خالدی و همچنین ارکستر برادران نورین دنبال کرد و سپس به ارکسترهای علی محمّد نامداری و شاپور نیاکان پیوست. همچنین با ارکستر شمارهٔ ۳ به سرپرستی حسین شهبازیان و نیز ارکستر «شما و رادیو» به سرپرستی ناصر زرآبادی همکاری بسیاری داشت و پس از تشکیل برنامه «گل‌ها» به همت داود پیرنیا به جرگه نوازندگان گل‌ها پیوست.